

آمبا، سرود ماهیگیران بلوچ

عبدالغفور جهاننیده *

(دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۶، پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۶)

چکیده

سرزمین بلوچستان با وسعت زیاد و با دارا بودن اقلیم و آب و هوای متنوع و احاطه شدن با دریا و کوه و دشت و کویر، از مناطق مهم و پرشگفتی ایران است. زبان بلوچی با گویش‌ها و لهجه‌های گوناگون بر تنوع زیبایی‌های این سرزمین افزوده است. ادبیات شفاهی بلوچستان بسیار پربار است. انواع گوناگون ادبیات شفاهی از زمان‌های کهن رایج بوده است و همچنان رواج دارد. اشعار، سرودها و ترانه‌های زیادی از نسل‌های گذشته برجا مانده است که بخشی از هویت قوم بلوچ را تشکیل می‌دهد. آمبا سرود ماهیگیران بلوچ است که به صورت دسته‌جمعی، هنگام صید ماهی، آن را بر سطح دریا و درون لنج‌ها و قایق‌ها می‌خوانند. این نوع شعر درواقع ترانه‌هایی است که اصطلاحاً به آن شعر کار می‌گویند. این ترانه‌ها دارای ساختار ویژه و مضامین گوناگون هستند. درباره بررسی بسیاری از سرودها و ترانه‌های محلی بلوچستان، به ویژه «امبا» تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و در این مقاله، ضمن ارائه تعریفی از این نوع سروده، به بررسی ساختاری و محتوایی آن پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: ادبیات بلوچی، شعر عامیانه بلوچی، آمبا، ساختار آمبا، درون‌مایه آمبا.

۱. استادیار دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار (نویسنده مسئول).

* ajehandideh@yahoo.com

۱. مقدمه

بلوچستان سرزمین وسیعی است که در سه منطقه هم‌مرز بین کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان قرار دارد. این سرزمین با تنوع جغرافیایی و گوناگونی آب و هوا، دارای فرهنگ و آداب و رسوم متنوعی است. مردم بلوچستان دارای سه زبان بومی «بلوچی، براهویی و جدگالی» هستند. مهم‌ترین زبان رایج آنان، بلوچی است که خود دارای چندین گویش و لهجه‌های گوناگون است. بلوچستان ایران دارای دو ناحیه سرحد و مکران است. سرحد شامل شهرستان‌های زاهدان و خاش است و بقیه شهرستان‌ها - که در شرق و غرب و مرکز و جنوب استان واقع هستند - مکران را شامل می‌شوند. سواحل وسیع مکران جایگاه مردمی است که معاش بیشتر بومیان آن در دریا و از راه صید ماهی و شغل‌های مربوط به آن تأمین می‌شود.

زبان بلوچی یکی از از زبان‌های گروه زبان‌های ایرانی کنونی است که بیشترین متکلمان آن در شرق ایران و در سرزمینی زندگی می‌کنند که سه کشور همسایه ایران، پاکستان و افغانستان را از نظر جغرافیایی به هم پیوند می‌دهد. این زبان دارای چندین گویش است و برخی از گویش‌های آن نیز دارای چند لهجه هستند. مهم‌ترین گویش بلوچی، گویش مکرانی است که در جنوب بلوچستان تکلم می‌شود و زبان ادب و شعر و کتابت و به‌نوعی گویش معیار است.

ادبیات شفاهی بلوچی با قدمت چشمگیری که دارد شامل بسیاری از انواع ادبی است. این انواع، به‌ویژه شعر و منظومه، حضوری پررنگ در زندگی مردم بلوچ دارد. بلوچ‌ها تاریخ و افتخارات گذشته خود را با شعر نگاه داشته‌اند و با اشتیاق فراوانی که به این هنر دارند، حفظ اشعار را نوعی امتیاز به‌شمار می‌آورند.

اگرچه ادبیات مکتوب بلوچی عمر و سابقه زیادی ندارد و به یک قرن نمی‌رسد؛ اما رو به رشد است؛ به‌ویژه در هفتاد سال اخیر با طراحی خط بلوچی، کتاب‌ها و نشریات فراوانی به چاپ رسیده است و همچنان ادامه دارد.

موسیقی رایج بین بلوچ‌ها خصوصیتی دارد که کمابیش در اقوام دیگر بنا به شرایط اقلیمی‌شان مشاهده می‌شود. همه مراسم بلوچ‌ها با موسیقی همراه است (ستایشگر، ۱۳۹۴: ۴۴۹).

پیوند موسیقی و شعر، تاریخی به قدمت تاریخ جامعه بشری دارد. این دو موضوع و به‌طور کلی هنر، در ابتدا از پدیده‌هایی بودند که کاملاً حالت کاربردی در زندگی انسان-ها داشتند. هر چقدر به گذشته‌های دور برگردیم این ویژگی، یعنی کاربردی بودن هنر بیشتر روشن می‌شود. این موضوع ارتباط هنر اولیه با کار اجتماعی انسان‌ها و وسیله‌ای برای بهبود زندگی است و بیش از هر چیز، برای تخفیف مشکلات و مصائبی به کار می‌رود که انسان‌ها در مبارزه خودشان با طبیعت بی‌رحم یا مناسبات اجتماعی با آن‌ها مواجه می‌شوند. هر چه جامعه ساده‌تر باشد این‌گونه هنر رواج بیشتری دارد. آنچه امروزه از آن‌ها با عنوان «ترانه‌های کار» و «کارآوا» نام می‌بریم بقایایی از هنر ابتدایی مردم این سرزمین است (جعفری (قناتی)، ۱۳۹۶: ۴۱۱).

یکی از انواع شعر عامیانه بلوچ «آمبا» است. این شعر، سرود و ترانه‌هایی است که ماهیگیران در حین صید ماهی، به‌صورت دسته‌جمعی و سؤال و جواب می‌خوانند. سراینده هیچ کدام از آمباها معلوم نیست. این شعر دارای ساختاری متفاوت و درون‌مایه‌ای گوناگون است.

آمبا نوعی شعر است که در اصطلاح به آن «شعر کار» یا «کارآوا» می‌گویند. شعر کار به اشعاری گویند که در کارهای گروهی، برای نیرو گرفتن و خسته نشدن و ایجاد نظم در کار خوانده می‌شود. در بلوچستان این گونه اشعار در میان کارگران بعضی از مشاغل به‌ویژه کشاورزان و ماهیگیران رایج است. «این‌گونه اشعار در میان ایرانیان سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. بر اساس گزارش ابوالفرج اصفهانی بنایان و معماران ایرانی که در سده‌های نخستین اسلامی برای ساخت مسجد به مکه و شام دعوت شده بودند به هنگام کار به نغمه پارسی ترنم می‌کردند» (همو، ۱۳۹۴: ۲۷۶).

۲. پیشینه تحقیق

در بلوچستان درباره این موضوع تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است، فقط نویسنده‌ای به نام فضل خالق در کتابی به نام *تکگ آنت سنج*^۱ تعدادی از آمباها را بدون پرداختن به بررسی ساختار و درون‌مایه آن‌ها، گرد آورده و به چاپ رسانده است. محمدرضا درویشی در کتاب *مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران* چند صفحه‌ای

را به بحث درباره آوازهای کار و نیمه، در مناطق بوشهر و هرمزگان اختصاص داده است. منصور بهرامی در کتابی ۱۲۹ صفحه‌ای به نام نیمه سمفونی دریا و میترا خواجه‌نیا در مقاله‌ای گزارش‌گونه با عنوان «نیمه؛ کارآوای ساحل‌نشینان بوشهر» با ذکر فقط یک نمونه از این سرود به زبان فارسی - که محتوای آن‌ها یاری خواستن از خدا و رسول و ائمه اطهار است - به بررسی و کاربرد این نوع سرودها در سواحل بوشهر پرداخته‌اند. محمود حیدریه مقاله‌ای با عنوان «نیمه ترانه کار دریایی» به بررسی و توضیح انواع این نوع سرود در میان دریانوردان بوشهری پرداخته است.

در این پژوهش، در گردآوری اشعار و سروده‌ها بیشتر از تحقیقات میدانی استفاده شده است. از آن‌جا که تاکنون کسی به این مقوله نپرداخته و منبعی نیز در اختیار نبوده است، علاوه بر امباهایی که فضل خالق گرد آورده، از ماهیگران باتجربه محلی و کسانی که مدت‌ها در سواحل مکران به صید ماهی مشغول بوده‌اند، امباهایی دیگر را گرد آورده و از آن‌ها در زمینه شیوه کاربرد و چگونگی اجرای آن‌ها مصاحبه‌هایی کرده‌ایم. این در حالی است که این نوع شعر در حال فراموشی است و ماهیگیران جوان آن را کمتر به خاطر دارند یا به کار می‌برند. مجموعه امباهایی که در این مقاله به بررسی آن‌ها می‌پردازیم، ۴۲ امبا با مضامین گوناگون هستند که برخی از آن‌ها بلند و برخی دیگر کوتاه هستند.

۳. واژه امبا

سیدهاشمی در واژه‌نامه بلوچی سیدگنج چیزی در معنی امبا ننوشته و تعریفی کوتاه برای آن ذکر کرده است: «ترانه‌ای است که ماهیگیران هنگام صید ماهی می‌خوانند» (۲۰۰۰: ۵۷). ستایشگر در کتاب *واژه‌نامه موسیقی ایران زمین*، ذیل واژه «امبا» آورده است: «آوازی به معنی سرود دریاها که موطن اصلی آن هندوستان است. آواز مذکور هنگام هدایت قایق‌ها از خشکی به آب، خوانده می‌شود» (۱۳۹۱: ۱۰۹). این پژوهشگر در جلد دوم این کتاب درباره واژه «امبا» آورده است: در سواحل بلوچستان «امبا، آهنگی با اجرای گروهی خاص ماهیگیران و مراحل صید است» (۱۳۹۴: ۴۵۰).

واژه آمبا می‌تواند برگرفته از عبارت «هابیا» باشد. هابیا عبارت کوتاهی است به معنی «بله بیا» که در متن برخی از امباها تکرار می‌شود و منظور از آن تشویق و تحسین ماهیگیران جهت صید ماهی یا کشیدن تور پر از ماهی از آب است. این گونه نام‌گذاری در برخی از ترانه‌های دیگر بلوچی هم به چشم می‌خورد؛ مانند «لارو^۳ و هالو^۴» که هر دو واژه در متن این ترانه‌ها تکرار می‌شود. همچنین، این واژه می‌تواند با «نهاما» هم‌ریشه یا بدل‌شده‌ای از آن باشد. در فرهنگ دریایی خلیج فارس واژه «نهاما» را به معنی «نام مطرب یا نوازنده کشتی صید مروارید» و از قول سدیدالسلطنه آورده است: «در اصطلاح اهل غوص، مطرب را نهاما بر وزن سهاما گویند و آن تغنی با شعار بنطیه کند و غواص‌ها را به شوق و ذوق آرد» (نوربخش، ۱۳۸۱: ۳۹۰).

در شهر بلوچ‌نشین جاسک به آمبا «نهم» می‌گویند. نهم گویا به قسمت جلو لنج می‌گویند و نهم‌خوان احتمالاً در آن‌جا می‌نشسته و این سرودها را می‌خوانده است.^۵ در برخی از مناطق خلیج فارس «نیم nym عرشه کشتی، یک ثلث سطح لنج در قسمت دوم (به طرف عقب) و در بوشهر کابین ناخدا روی نیم ساخته می‌شود، بالای سطحه را نیم گویند» (همان، ۳۹۱). «به این نغمه‌ها در بوشهر نیمه neyme و در مناطق پیرامونی آن مانند خارک، انهم anham یا نهم می‌گویند» (خواجه‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۳۹). محمدرضا درویشی (۱۳۷۳: ۸۴) احتمال می‌دهد که نیمه، تغییریافته واژه نغمه باشد. این سرود در منطقه هرمزگان علاوه بر «نهم» به نام‌های دیگری نیز رایج است، «هولو یا مال، سنگلی، هی‌هامله، آسوا، شروند» که هر کدام از این‌ها به بخشی از مراحل صیادی اختصاص دارد (همان، ۳۸).

۴. ساختار

امبا شعری با ساختار گوناگون است، بیشتر شبیه قالب مستزاد فارسی است، به گونه‌ای که یک عبارت پس از هر مصراع می‌آید و این عبارت زائد دارای چند ویژگی است:

۱. بیشتر ثابت است و به‌ندرت تغییر می‌کند.

۲. می‌تواند معنی‌دار یا بدون معنی باشد. اگر معنی‌دار باشد، معمولاً نام خدا، اسم شخصی از اولیاءالله یا القاب آن‌ها (مانند حضرت علی، شاه مردان)، اسم پرنده و ...

است یا اینکه مصراع‌های هم‌وزن مصراع اصلی است. این عبارت ثابت گاهی بی‌معنی است و تنها به ضرب‌آهنگ شعر کمک می‌کند. «هیچ‌کس معنی دقیق این واژه‌ها را نمی‌داند. فاقد معنی به‌خصوصی‌اند و یا اینکه واژه‌های سُواحلی و آفریقایی‌اند» (درویشی، ۱۳۷۳: ۹۰). واژه «یَلَّاسِه» یکی از همین واژه‌هاست که در برخی امباها کاربرد دارد.

۳. می‌تواند به اندازه مصراع اصلی یا کوتاه‌تر یا بلندتر باشد.

۴. موزون است؛ اما وزن آن گاهی با مصراع اصلی متفاوت است.
نمونه‌ای از امبا:

بوجیگ منی زرا انت الله منی نگهپان^۷

bōjig mani zer ā eñt allāh mani negahpān

یَلَّاسِه

yallā se

زرگوات یا ناشی یا که بیت توپان

zergwāt yā nāši yā ke bebit tūpān

یَلَّاسِه

yallā se

پُرعیب و پُرگناهین، بی‌پُشت و بی‌پناهین

por ayb o porgonāhēñ bēpošt o bēpanāhēñ

یَلَّاسِه

yallā se

یارب بیکش ما را، نام انت تئیک رحمان

yā rab bebakš mā ra nām eñt ta?ig rahmān

یَلَّاسِه

yallā se

برگردان: لِنج من در دریاست و خداوند نگهدار من است، در برابر باد و توفان دریایی. پر از عیب و گناه هستیم، پشت و پناهی غیر از تو نداریم، ای خداوند ما را ببخش، نام تو رحمان است.

امبای فوق هشت مصراع‌های است که چهار مصراع آن را نقل کرده‌ایم و می‌بینیم که یک عبارت ثابت سه‌هجایی پس از هر مصراع آمده است و ظاهراً در بلوچی معنی ندارد و ماهیگیران صرفاً برای ایجاد هیجان، تکرار می‌کنند.

برخی از امباها به صورت سؤال و جواب هستند؛ تک‌خوان مصراع اصلی را به صورت سؤالی می‌خواند و افراد دیگر به صورت گروهی و هماهنگ پاسخ می‌دهند:

گوینده: چی پُلّی؟	čē pollē
جواب‌دهندگان: آسمی پُلّی	āsomī pollē
گوینده: کی داتگ؟	kay a dātag
جواب‌دهندگان: دلبر داتگ.	delbar a dātag
گوینده: کُجا داتگ؟	kojā dātag
جواب‌دهندگان: گوادر شهر	gwādar e šahr a
گوینده: کُجا بستگ؟	kojā bastag
جواب‌دهندگان: جیگ سر بستگ ^۱ .	jigsar a bastag

برگردان: چه گلی است؟ / گلِ یاسمن است / چه کسی داده است؟ / دلبر داده است / کجا داده است؟ / [در شهر] گوادر داده است / [گل را] بر کجا بسته است؟ / بر گریبان بسته است.

امبا می‌تواند یک یا چندین بیت باشد؛ مثلاً قطعه زیر یک امباست که از دو مصراع تشکیل می‌شود. کسی به‌عنوان پیش‌خوان، مصراع نخست «شاگ نَرَوَت پیش» را می‌خواند و گروه «بگر میش» را در جواب می‌خوانند و همین مصراع و عبارت تکرار می‌شود.

شاگ نَرَوَت پیش šāg a na-rawt pēš a

بگر میش be-ger mēš a

برگردان: لنج ایستاده و حرکت نمی‌کند. [پس] میش ماهی‌ها را صید بکنید.

۴-۱. شیوه اجرای امبا

شیوه اجرای سرودهای امبا، آهنگین و بدون ساز است، به‌گونه‌ای که یکی از میان ماهیگیران، به‌عنوان تک‌خوان یا پیش‌خوان، مصراع اصلی را به‌صورت ملحون و گاهی با ریتمی تند می‌خواند و گروه همراهان (پاروزنان و جاشوها)، عبارت ثابت را به‌صورت گروهی در جواب آن می‌خوانند.

۲-۴. قافیه و ردیف در آمبا

در تعریفی که برخی از ادیبان و نویسندگان از شعر کرده‌اند، وزن و قافیه را ملازم همدیگر دانسته‌اند؛ برای نمونه، شمس قیس رازی می‌گوید: «سخن بی‌قافیت را به شعر نشمرند، اگرچه موزون باشد» (۱۳۸۸: ۲۲۱).

در تعریفی که در شعر فارسی از قافیه ارائه داده و آن را در اصل یک حرف و هشت تابع دانسته‌اند. حرف اصلی را روی نامیده و هشت حرف تابع را تأسیس و دخیل و ردف و قید و وصل و خروج و مزید و نایره خوانده‌اند و رعایت حرف‌های تأسیس و دخیل اختیاری و ۶ حرف دیگر و روی الزامی دانسته شده است. قافیه با این تعریف در هیچ یک از مصراع‌ها و بیت‌های شعرهای باستانی و ایرانی میانه غربی و جود ندارد. گاهی در مصراع‌ها و در بیت‌هایی واژه‌های پایانی به یک هجا پایان پذیرفته‌اند و گاهی هجاهای پایانی واژه‌های پایانی مصراع‌ها و بیت‌ها هم‌آوا هستند. شعر مقفا و منظوم به نظم کمی پس از اسلام در ایران رایج گشته است. شعر عربی مقفا و منظوم به نظم کمی است و پیش از رواج شعر فارسی دری رایج بوده است و همین شعر بوده است که شاعران فارسی‌گو آن را سرمشق قرار داده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

کاربرد قافیه در شعر آمبا یکسان نیست، گاهی رعایت می‌شود و گاهی همراه با بی‌نظمی است؛ به گونه‌ای که در برخی از مصراع‌ها رعایت و در بعضی از آن‌ها رعایت نمی‌شود. گاهی با برخی از عیوب قافیه مانند اکفا، شایگان و تکرار همراه است و گاهی اصلاً قافیه‌ای در کار نیست و گاهی ردیف در جایگاه قافیه می‌نشیند. در آمبای زیر که احتمالاً بخشی از آمبای بزرگ‌تری بوده، قافیه به‌درستی رعایت شده است.

شابا اُ شاری šābā o šāri

یاالله یا مردان ya allāh ya mardān

چو نرمزاری čō narmazāri

یاالله یا مردان ya allāh ya mardān

مردِ شکاری mard e šekāri

یاالله یا مردان^۹ ya allāh ya mardān

برگردان: آفرین بر تو ای شاری / برخیزید ای مردان / مانند شیر نر / برخیزید ای مردان / ای مردان شکاری / برخیزید ای مردان.
در امبای زیر می‌بینیم که کلمات «زرانی، گرگانی، بیاری، نرمزاری» قافیه شده‌اند و همه دارای عیب ایضا هستند. کلمات اصلی «زر، گرگ، بیار، نرمزار» است که قافیه‌های اول و دوم و چهارم پسوند و قافیه سوم ضمیر است.

māhig zerāni	ماهیگ زرانی
yallā ?e mardān	یاالله ای مردان
ker gorragāni	کر گرگانی
yallā ?e mardān	یاالله ای مردان
kašš o beyāri	کش بیاری
yallā ?e mardān	یاالله ای مردان
čō narmazāri	چو نرمزاری
yallā ?e mardān	یاالله ای مردان

برگردان: [برای صید] ماهی دریا / برخیزید ای مردان / صدای میش ماهی می‌آید / برخیزید ای مردان / [ماهی‌ها را] بالا بکشید و بیاورید / برخیزید ای مردان / مانند شیر نر / برخیزید ای مردان.

در امبای زیر می‌بینیم که ردیف در جایگاه قافیه نشسته است، «انت» معادل فعل ربطی «است» فارسی است که در مصراع‌های اصلی بدون آنکه قافیه‌ای در کار باشد، تکرار شده است.

nāzal gār eṇt	نازل گار انت
man na-geṇd-ān-i	من نه‌گندانی
kōh pa kōh eṇt	کوه په کوه انت
man na-geṇd-ān-i	من نه‌گندانی
ḍāk pa ḍāk eṇt	داک په داک انت
man na-geṇd-ān-i	من نگندانی

برگردان: نازل (اسم زن) گم شده است/ من او را نمی‌بینم/ از کوهی به کوهی دیگر
سرگردان است/ من او را نمی‌بینم/ از دشتی به دشتی دیگر سرگردان است/ من او را
نمی‌بینم.

۳-۴. قالب امبا

قالب شعر امبا، قالب سنتی بلوچی است، واحد شعر در قالب سنتی بلوچی «بند» است که معادل مصراع فارسی است، با این تفاوت که بیت وجود ندارد و یک شعر می‌تواند هر چقدر کفایت کند به تعداد زوج یا فرد بند داشته باشد و اشعار را نیز ستونی می‌نویسند. این قالب در شعر سنتی و کلاسیک بلوچی، معمول بوده است و امروزه هنوز کاربرد دارد و از میان قالب‌های شعر فارسی بیشتر به بحر طویل و مثنوی شبیه است، به گونه‌ای که سراینده می‌تواند به تبعیت از مصراع نخست همه مصراع‌ها را هم‌قافیه کند یا اینکه در هر کجا تشخیص داد، قافیه را عوض کند؛ مثلاً اگر یک شعر بیست مصراعی را در نظر بگیریم، شاعر می‌تواند هر بیست مصراع را هم‌قافیه کند، یا اینکه سه مصراع نخست را هم‌قافیه و پنج مصراع بعدی را با قافیه‌ای دیگر و دو مصراع دیگر را متفاوت از بقیه و همین‌گونه بقیه را با قافیه‌های دیگر تا آخر ادامه دهد.

۴-۴. کیفیت وزن امبا

یکی از اصولی‌ترین، پابرجاترین و کهن‌ترین پایه‌های شعر وزن است. شعر و وزن دو همزادند که همراه با هم از مادر متولد شده‌اند، با هم رشد کرده‌اند و سال‌ها و قرن‌ها با هم زیسته‌اند، هنوز همراهند و در آینده نیز همراه خواهند بود و در این مدت طولانی، شعر بدون وزن خوانده نمی‌شده و وزن بدون شعر لباس هستی نمی‌پوشیده است (کرمی، ۱۳۸۹: ۳).

امباها اشعاری موزون هستند؛ اما وزن آن‌ها یکسان نیست. «اصولاً درباره وزن ترانه‌های ایرانی، نظرات گوناگونی ارائه شده است، برخی آن‌ها را «عروضی» و بعضی «هجایی» و برخی دیگر تکیه‌ای دانسته‌اند» (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

بنیاد وزن کمی یا وزن عروضی بر تساوی تعداد هجاها و نظم و تناسب میان هجاهای کوتاه و دراز در هر مصراع است (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۴۶۰).

نظم هجایی نظم‌ی است که در هر مصراع شمار هجاها اساس نظم است. کوتاهی و بلندی و نظم قرار گرفتن هجاها اهمیت ندارد. شعر کلاسیک فارسی دری منظوم به نظم کمی [یا عروضی] است و آن بدین معنی است که شمار هجاهای کوتاه و بلند و نظم قرار گرفتن آن‌ها یکی است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۵۴).

وزن ضربی یا وزن تکیه‌ای، بنیاد آن توأماً بر تساوی تعداد هجاها و تساوی تکیه‌ها در هر مصراع است (شریفی، ۱۳۸۳: ۱۴۶۰).

درباره چگونگی وزن شعر بلوچی که در کدام دسته از انواع وزن قرار می‌گیرد، تحقیقات چشمگیری صورت نگرفته است؛ اما طبق پژوهش‌هایی که نگارنده^{۱۰} در این زمینه انجام داده است، شعر کلاسیک و معاصر بلوچی، به وزن کمی یا عروضی نزدیک‌تر است، اگرچه در آن، به میزان کمتر، نشانه‌هایی از وزن هجایی هم مشاهده می‌شود. اما اینکه وزن عروضی بلوچی، ذاتی است یا تأثیرپذیری آن از عربی است، جای بحث زیادی دارد که در گنجایش این مقاله نیست.

عروض بلوچی، علاوه بر دارا بودن قواعدی که در عروض فارسی است، ویژگی‌هایی دارد که خاص زبان بلوچی است؛ از جمله آن‌ها، واج نخست برخی از هجاها می‌تواند با ساکن آغاز شود و این واج جزو وزن به شمار نمی‌آید، برای نمونه، در دو مصراع زیر که از یک امبای ۲۶ مصراعی و موزون به وزن «فاعِلن فاعِلن» است، واژه‌های «گُوادری» و «ترا» ابتدا به ساکن هستند. «ت» و «گ» به عنوان واج‌های آغازین جزو وزن به شمار نمی‌آیند: «آشَلین گُوادری āšolēŋ gwādari»، «أَجَنک ترا گُشان ow janek trā gošan» (فضل خالق، ۲۰۰۷: ۳۶۱).

آمبا هم به عنوان نمونه‌ای از اشعار عامیانه ایرانی، با توجه به اینکه آن را به صورت ملحون می‌خوانند دارای وزن‌ها و بحرهای ویژه‌ای است. با بررسی ۳۵ آمبا به این نتیجه رسیدیم که همه آن‌ها موزون هستند؛ اما به دلیل شفاهی بودن و تکرار و اجرای آن‌ها به وسیله افرادی که با شعر و موسیقی آشنایی نداشته‌اند، اشکالات وزنی و گاهی کوتاهی و بلندی مصراع‌ها در آن‌ها مشهود است. مثلاً قطعه زیر از قول سه تن از ناخدایان این گونه نقل شده است:

(الف)

jomb-et bačakkān	جُمبِت بچَکَّان
aywallā	ای والله
māhōr a kašš et	ماهورِ کشِ ات

(ب)

māhōr e kaššag	ماهورِ کشْگ
aywallā	ای والله
mardān e kāreṇt	مردانِ کارِنت

(ج)

kaššet māhōr a	کشِ ات ماهرِ
aywallā	ای والله
mardāne kāreṇt	مردانِ کارِنت ^{۱۱}

این سه قطعه، به احتمال زیاد بخشی از یک امبای بزرگتر بوده‌اند که به سه گونه نقل شده و معنی آن‌ها به این ترتیب است:

(الف) «برخیزید ای دوستان، ای والله! تور [پُر از ماهی] را بالا بکشید».

(ب) حالت مصدری دارد و به معنی «از آب کشیدن تور ماهی، ای والله! کار مردان است» است.

(ج) تور ماهی را از آب بیرون بکشید، ای والله! [این] کار مردان است.

طول مصراع‌های اصلی غیر مکرر در امبا بیشتر دورکنی است، البته یک‌رُکنی و سه‌رُکنی و چهاررُکنی هم وجود دارد. از میان ۳۵ امبا که بررسی وزنی و عروضی شدند، ۲۴ مورد دو رکنی، ۵ مورد یک‌رُکنی، ۴ مورد سه‌رُکنی و ۱ مورد چهاررُکنی بودند.

قطعه زیر بخشی از یک امباست که مصراع اصلی آن، که گوینده می‌خواند، یک‌رُکنی است و مصراع ثابت، که جواب‌دهندگان گروهی تکرار می‌کنند، دورکنی است:

kōlwāhi کولواهی
 čolombān čaṇḍēnit چُلُمبان چَندینیت
 wat kandit وت کندیت
 čolombān čaṇḍēnit چُلُمبان چَندینیت
 برگردان: [دختر] کولواهی^{۱۲} / گوشواره‌هایش را می‌لرزاند / خودش می‌خندد /
 گوشواره‌هایش را می‌لرزاند.
 کول / وا / هی - / - / -
 چ / لُم / بان / چَن / دی / نیت - / - / - u
 وت / کن / دیت - / - / -
 وزن دو مصراع اصلی از امبای فوق، کمّی یا عروضی است و ارکان آن عبارت‌اند از:
 مفعولن.

دو مصراع زیر که مصراع‌های اول و دوم یک امبا هستند، هر کدام از دو رکن تشکیل
 شده است:

koli-bāl-ēṇ janek کُلی‌بالین جَنک
 ta-r-ā māt a jat-ag ترا مات جَتگ
 دختر چابک / تو را مادرت کتک زده است ...
 ک / لی / با / لین ج / نِک - / - / - u
 ت / را / ما / ت / ج / تَگ - / - / - u
 وزن دو مصراع فوق، کمّی یا عروضی است و ارکان آن عبارت‌اند از: مفاعیلن، فعل.
 (بحر هزج).

دو مصراع زیر که مصراع‌های اول و دوم یک امبا هستند، هر کدام از سه رکن
 تشکیل شده‌اند:

šābāš eṇt janek tai mā ta شاباشِ انت جَنک تئی مات
 pēdāki kotag sawgāt a پیداکِی کُتگ سَوگات
 ای دختر، آفرین بر مادرت باد / که تحفه‌ای مانند تو را به دنیا آورده است.
 شا / با / شینت / ج / نِک / تئی / ما / ت

پیـ/ دا/ کی/ کُ/ تگ/ سَو/ گا/ تَ

U /-/-/-/ U /-/-/-/

وزن دو مصراع فوق، کمی یا عروضی است و ارکان آن عبارت‌اند از «مفعولن، مفاعیلن، فَع» (بحر هزج).

دو مصراع زیر که مصراع‌های اول و دوم یک امبا هستند، هرکدام از چهار رکن تشکیل شده‌اند:

بوجیگ منی زرا انت الله منی نگهپان

bōjig mani zer ā eñt allāh mani negahpān

زرگوات یا ناشی یا که ببیت توپان

zergwāt yā nāši yā ke bebit tūpān

برگردان: لَنج من در دریاست و خداوند نگهدار من است/ در برابر باد و توفان

دریایی ...

بو/جیگ/ م/ نی/ ز/ را/ انت/ ال/ لا/ م/ نی/ ان/ گه/ بان

-/-/U -/U /-/- -/-/U -/U /-/-

زِر/ گوا/ ت/ یا/ نا/ شی/ ب/ بی/ ت/ تو/ پان

-/-/U -/U /-/- -/-/U -/U /-/-

وزن دو مصراع فوق، کمی یا عروضی است و ارکان آن عبارت‌اند از: مستعلن،

فعولن/ مستفعلن فعولن.

بعضی از امباها دارای دو یا سه وزن هستند، به گونه‌ای که بخشی از آن دارای یک وزن و بخش دیگر آن، با اضافه یا کم شدن یک هجا به ارکان آن دارای وزنی دیگر است؛ مثلاً امبایی با مصراع «اُ جنک، اُ جنک ow janek ow jank ای دختر، ای دختر» (فضل خالق، ۲۰۰۷: ۳۶۱) و وزن آن «فاعِلن فاعِلن» است و مصراع سیزدهم و پانزدهم «فاعِلن، مستفعلن»: «چو مکن نادلسری čō makan nādelsari» (همان‌جا) (مصراع چهاردهم تکرار است) و مصراع هفدهم آن تغییر کرده است و به وزن «مستعلن، مستعلن» و همچنین مصراع‌های نامکرر دیگر تا پایان به همین وزن می‌آیند: «کَمو بچار اُ مهپری kammow bečār ow mahpari ای زیبارو کمی نگاه کن» (همان) شاید دلیل تغییر وزن به ترتیب در مصراع‌ها، تندتر شدن ریتم و لحن خواندن سرود است.

پس از بررسی‌های آمباهای مورد نظر، به این نتیجه می‌رسیم که وزن غالب آن‌ها کمی یا عروضی است؛ اما همچنان که گفتیم این سرودها چون ملحون هستند، بر اثر تکرار زیاد، تغییراتی در هجاهای آن‌ها ایجاد شده است که گاهی این تغییرات، وزن را به هم می‌زند و به هجایی نزدیک‌تر می‌کند که البته با اختیارات وزنی یا شاعری می‌توان بیشتر آن‌ها را به وزن عروضی درآورد. بیشترین بحرهای که در آمباها به کار رفته است، هزج، رجز، بحر متقارب اثلیم (فعْلُن فَعُولُن) و متدارک هستند، البته اوزان دیگری مانند خفیف و رمل هم کاربرد دارند.

گفتنی است در هر آمبای متوسط مثلاً ۲۰ مصراع، شاید بتوان یک یا دو مصراع را پیدا کرد که در آن‌ها یک رکن، یک هجای اضافه داشته باشد و و با هیچ اختیاری قابل تغییر نباشد. دلیل این روند، همچنان که گفتیم، تکرار این اشعار و شفاهی بودن آن‌هاست.

۵. درون‌مایه

درون‌مایه آمبا گوناگون است. هر موضوعی که بتواند ماهیگیران را برای صید ماهی یا شتاب در حرکت رفت و برگشت در دریا تشویق کند محتوای این نوع شعر را شامل می‌شود. برخی از این موارد را که بسامد بیشتری دارند در این جا ذکر می‌کنیم:

۵-۱. شوق رسیدن به منزل و خانواده و همسر و دوست

ماهیگیران در سفر دریایی دور و درازی که دارند و هفته‌ها طول می‌کشد، دلتنگ عزیزان خود می‌شوند و در آستانه یا در حین برگشت آمباهایی را که می‌خوانند در همین موضوع است:

او یاسِه ow yāse

یَلِه سه yalle se

بَتیلِ ات betayl et

یَلِه سه yalle se

گُوادِر پیداکِ اِن لالِ جَنگانی gwādar pēdāk eṇt lāl janekkāni

یله سه yalle se
پنسنی پرگنجین امیرانی paŋseni porganjēŋ amieāni
یله سه yalle se
میدجنگان ثیاب گور گردانت mēdjanekkāŋ tayābgwar a gard aŋt
یله سه yalle se
مالون گون نی که دوست کنان یکی mālōŋ gāŋ nē ke dōst kanāŋ yakkē
یله سه yalle se
دوست کنان شاری دنانی dōst kaāŋ šāri ya donāni ya
یله سه yalle se
بانک مسک و مهلبانی bānok a mesk o mehlabāni ya
یله سه yalle se
دیم پیداک ان جیمری باگین dēm a pēdāk eŋ jēmafi bāgēŋ
یله سه yalle se
کوه پشت و بدن جلاب kōh e post o baŋdaŋ jollāb a
یله سه yalle se
مرگ ترا عزت دیان شرین morg tarā ezzat dayāŋ šarrēŋ
یله سه yalle se
میل په بریس بدن ترین mayl pa brēs e baŋden a tarrēŋ
یله سه yalle se
نشتگ انت کاژک و مرید دُرین neštag aŋt kādōkk o morid dorrēŋ
یله سه yalle se
سیاکو تو گون سیلهان گوازین syākō a taw gōŋ salahāŋ gwāzēŋ
یله سه yalle se
داں رمین و حد چهبار dāŋ ramīn a o had e čahbār a
یله سه yalle se
چاهبار بلدنگ زاهر انت نکشین čahbār e beldiŋg zāher aŋt nakšēŋ

یله سه^{۱۳} yalle se

برگردان: او یاسه / یله سه / حرکت کنید / یله سه / شهر گوادر با دختران زیبایش از دور پیداست / یله سه / و شهر پسینی پرگنج و امیرنشین / یله سه / دختران ماهیگیران بر کنار ساحل می گردند / یله سه / پول ندارم که یکی از آنها را دوست گردانم / یله سه / بالاخره «شاری» را به عنوان دوست برمی گزینم / یله سه / آن بانوی باسلیقه را / یله سه / جلوتر شهر جیونی پیداست / یله سه / پشت کوه و بندر جلاب / یله سه / ای پرنده تو را گرامی می دارم / یله سه / رو به سوی بندر بریس برو / یله سه / کاژک و مرید در آنجا نشسته اند / یله سه / از سیاه کوه نیز بگذر / یله سه / تا برسی به شهر رمین و چابهار / یله سه / ساختمان های منقش چابهار از دور پیداست / یله سه.

۵-۲. عاشقانه

محتوای برخی از امباها عاشقانه است، توصیف دلدار و شکوه از بی وفایی و بی توجهی او مهم ترین بخش این گونه امباها را تشکیل می دهد.

شاباش انت جنک تئی مات šābāš eñt janek tai māt a

کپینجر^{۱۴} kapiñjar a

پیداگی گنگ سَوگات pēdāg i kotag sawgāt a

کپینجر kapiñjar a

آبو چاردهی ماهِ کپ abbō čārdahi mäh e kapp

کپینجر kapiñjar a

زهر انت و نَجنت گون من گپ zahr eñt o najant gōñ man gap

کپینجر kapiñjar a

آبو چاردهی ماهِ چُند abbō čārdahi mäh e čonđ

کپینجر kapiñjar a

باگانی کپودر سبزین bāgāni kapōdar sabz-eñ

کپینجر kapiñjar a

طوطی زیمر و وَش لبزین tūti zēmer o wašlabzēñ

کپینجرَ kapinjar a

اسپیتین گشی نودی شَل espētēṇ gošay nōdi šal

کپینجرَ kapinjar a

گندیم گونگین گرگی تل gandēmḡōnagēṇ grakki tal

کپینجرَ kapinjar a

چارات په کی بیت مهتل čār et pa ka ya bit mahtal

کپینجرَ kapinjar a

برپین جمرانی ترونگل^{۱۵} barpēṇ jammarāni trōṅgal

برگردان: آفرین بر مادر تو باد/ که تحفه‌ای مانند تو را به دنیا آورده است/ ای وای که ماه شب چهارده (دلدار)/ قهر است و با من حرف نمی‌زند/ شگفتا از تو ای پاره ماه/ ای کبوتر چاهی باغ/ که مانند طوطی خوش‌سخن و شیرین‌زبان و/ مانند ابر سفید باران‌زا آرام‌بخش/ گندم‌گونه و نازک مانند ساقه نورسته نخل هستی/ ببینید که منتظر چه کسی می‌ماند/ دلداری که مانند تگرگی است که از توده ابر سفید می‌بارد.

۳-۵. یاری خواستن از خدا و اولیاءالله

بخش مهمی از آمباها را سرودهای مذهبی تشکیل می‌دهد و این گونه سرودها بیشتر اذکاری هستند که به واسطه آنها از خداوند یاری می‌خواهند که صید بیشتری به‌دست بیاورند. در آمبای زیر واژه «بدی beday» همان «بده» فارسی و در معنی «ببخش و عطا کن» است که همراه با صفات خداوند آمده است. ماهیگیران از خداوند می‌خواهند که صید بیشتر و بهتر به آنها عطا کند.

بسم الله/ لا اله الا الله// بدی مولا/ لا اله الا الله// بدی خالق/ لا اله الا الله// بدی مالک/ لا اله الا الله// بدی رازق/ لا اله الا الله// بدی ستار/ لا اله الا الله// بدی غفار/ لا اله الا الله (فضل خالق، ۲۰۰۷: ۳۶۸).

۴-۵. تشویق ماهیگیران

ماهیگیران برخی از آمباها را برای گریز از تنبلی و انگیختن همدیگر جهت تحرک و سرعت بیشتر می‌خوانند. این گونه آمباها بیشتر دارای لحن حماسی هستند.

mard e šekārān	مرد شکاران
yā allā yā mardān	یاالله یا مردان
dekkawān dārān	دگوان داران
yā allā yā mardān	یاالله یا مردان
māhig helārān	ماهیگ هالاران
yā allā yā mardān	یاالله یا مردان
kaššet byārān	کشِت ات بیاران
yā allā yā mardān	یاالله یا مردان
čō narmazārān	چو نرمزاران

برگردان: مردانِ شکاری/ همت کنید ای مردان/ در برابر سختی‌ها می‌ایستند/ همت کنید ای مردان/ ماهی‌های حلال را/ همت کنید ای مردان/ [از آب] بیرون می‌کشند و می‌آورند/ همت کنید ای مردان/ مانند شیران نر.

۵-۵. گزارش احوال سفر

ماهیگیران در سفرهای دور و دراز، احوال سفر، ماجراها و حوادث مهم را در سروده‌های خود، بازگو می‌کنند و در حین گزارش، از شهرها و آب‌هایی که در آنجا به ماهیگیری پرداخته‌اند یا تصمیم دارند به آن شهرها بروند، نام می‌برند. برخی از شهرهای مذکور خارج از دریای مکران و در کشورهای دیگری است.

bandar Masirā eṇt	بندر ^{۱۶} مصیرا ^{۱۷} اِنت
āh allā	آه الله
gōrāni jāgāh eṇt	گورانی جاگاه اِنت
āh allā	آه الله
māhig a ṭallāh	ماهیگ تَلّاه
āh allā	آه الله
Kādok a tir wārt	کاڈک ^{۱۸} ء تیر وارت
āh allā	آه الله

برگردان: [این جا] بندر مصیرا است / یا الله / جایگاه شیرماهی هاست / یا الله / [تور]
ماهی ها را خالی کن / یا الله / کاژک [در این جا] تیر خورد / یا الله.

ای کُجی میلِ انت ē kojey mēl eŋt

بنگالَ Baŋgāl a

رنگون^{۱۹} نولِ انت Raŋgon a nawl eŋt

بنگالَ Baŋgāl a

ای کُجا روتِ انت ē kojā rawt eŋt

بنگالَ Bbaŋgāl a

...

برگردان: این کشتی از کجاست؟ / از بنگال / برای رفتن به شهر رنگون کرایه شده
است / از بنگال / این به کجا می رود. / به سوی بنگال

۵-۶. موارد دیگر

غالب محتوای آмбаها مطالبی است که برشمردیم. موضوعات دیگری نیز محتوای آмбаها
را تشکیل می دهند که بیشتر به طور پراکنده در این سروده ها ظاهر می شوند.
ماهگیران گاهی برای شادی و سرگرمی، سروده هایی می خوانند که دارای
محتوای طیبیت آمیز باشد.

شمسلِ نادانینِ جَنک šamsal ay nādān-eŋ janek

مَجَنی که ماتِ و ت جتگ majan i ke māt a wat jatag

ماتِ پُلوهی گار کُتگ māt e polōh i gār kot-ag

مَجَنی که ماتِ و ت جتگ majan i ke māt a wat jatag

سبزلِ سیری ناچ کتگ sabzal e sir i nāč kotag

مَجَنی که ماتِ و ت جتگ majan i ke māt a wat jatag

...

برگردان: دختر نادان شمسِل / را نزن، که مادرش خود، او را زده است / زیور «پلوه»^{۲۰}
مادر را گم کرده است / او را نزن که مادرش خود، او را زده است / در عروسی سَبَزَل
رقصیده است / او را نزن که مادرش خود، او را زده است ...

nāz ma-kaŋ nāzi	ناز مَکَن نازی
tai nāz reč-aŋt	تئی ناز رِچ اَنَت
kamm-ok-ē āp a	کُمکی آپ
tai nāz reč-aŋt	تئی ناز رِچ اَنَت
kamm-ok-ē čāh a	کُمکی چاه
tai nāz reč-aŋt	تئی ناز رِچ اَنَت
kamm-ok-ē tambāk a	کیلی تمباک

...

برگردان: نازی! ناز نکن / نازت از بین می‌رود / کمی آب بده ... / نازت از بین
می‌رود / کمی چایی بده / نازت از بین می‌رود / مقداری تنباکو بده / نازت از بین می‌رود
...

۶. نتیجه

در این پژوهش تعداد چهل آمبا را از نظر ساختاری و محتوایی بررسی کردیم و سرانجام به این نتیجه رسیدیم که قالب شعر آمبا - اگر مصراع‌های تکرارشونده آن را در نظر بگیریم - «سنتی بلوچی» است. قافیه در شعر آمبا مانند بسیاری از اشعار عامیانه، دارای قواعد شعر رسمی نیست؛ بعضی از اشعار فاقد قافیه هستند و برخی فقط به ردیف بسنده کرده‌اند، بعضی دیگر قافیه‌دار هستند. در بسیاری از موارد، قافیه‌ها اگرچه از نظر قواعد قافیه در شعر رسمی، دارای عیوب هستند؛ اما از نظر موسیقی با همدیگر همخوانی دارند.

وزن در شعر عامیانه آمبا، با بررسی‌هایی که صورت گرفت، به وزن کَمی یا عروضی بیشتر گرایش دارد تا اوزان دیگر. اگرچه مصراع‌ها گاهی با کمی یا بیشی هجا روبه‌رو هستند؛ اما با کاربرد اختیارات وزنی و شاعری، می‌توان آن‌ها را به شکل عروضی

برگرداند. بیشتر وزن‌های به‌کاررفته در آمبا، هزج، رجز و متقارب اثلیم (فعْلُن فَعُولُن) هستند، البته اوزان دیگری مانند خفیف و رمل هم کاربرد دارند. وزن هجایی در تعدادی از آمباها هم مشاهده می‌شود؛ اما به‌دلیل موسیقایی بودن اشعار، با کوتاه و بلند کردن هجاها، هنگام تلفظ یا آوازخوانی، آن‌ها را می‌توان به وزن عروضی برگرداند.

درون‌مایه آمباها گوناگون است. با توجه به اینکه کارکنان لَنج در سفر دور و دراز هستند، شوق رسیدن به شهر و خانه خود در آن‌ها موج می‌زند. بسیاری از آن‌ها جنبه عاشقانه دارند؛ توصیف اندام دلدار و شکوه از بی‌وفایی و عدم توجه او مهم‌ترین موضوع این نوع آمباست. یاری خواستن از خدا و اولیاءالله محتوای بعضی از آمباها را تشکیل می‌دهد. موارد دیگری نیز از قبیل طبیعت و طنز و شوخی و گزارش سفر درون‌مایه آمباها را شامل می‌شود.

پانوشته‌ها

۱. این کتاب «botkag ayt sanj» (رنگین کمان ظاهر شده است) به زبان بلوچی است و در پاکستان به چاپ رسیده است.

2. ombā

3. lāfō

4. hālō

۵. «لارو» و «هالو» نام دو نوع ترانه است که در مراسم شاد عروسی به‌صورت دسته‌جمعی می‌خوانند. لارو با کلمات ظاهراً بی‌معنی «لاری لرو لارو لیلرو و امثال آن» و هالو با الفاظ «هَلَو هالو» آغاز می‌شود. به همین دلیل نام این آهنگ‌ها را این‌گونه گذاشته‌اند. این کلمات در وزن و ریتم ترانه‌ها تأثیر بسزایی دارند.

۶. اطلاعات مربوط به واژه «نهم» را از آقای خدابخش زومکی جاسکی، محقق جاسکی گرفته‌ام.
۷. این آمبا را شادروان استاد غلامرسول دینارزهی، آهنگ‌ساز و خواننده ترانه‌های بلوچی، آهنگ‌سازی و اجرا کرده و این مسئله سبب شهرت آن شده است

۸. به نقل از فضل خالق، ۲۰۰۷: ۳۶۴.

۹. نقل از مرادبخش.

۱۰. نگارنده با بررسی صدها شعر بلند و کوتاه کلاسیک و معاصر بلوچی، همراه با نمونه‌های گوناگون به این نتیجه رسیده است که شعر بلوچی دارای وزن کمی یا عروضی با ویژگی‌های خاص این زبان است. این تحقیق به شکل کتاب آماده است؛ اما به چاپ و نشر نرسیده است.

۱۱. این امباها، به ترتیب از یعقوب، نبی بخش و عبدی نقل کرده ایم که از ناخدایان و جاشوهای سواحل چابهار هستند.
۱۲. نام شهری است که امروزه در بلوچستان پاکستان واقع شده است.
۱۳. این آمبا را برکت بردی نقل کرده و فضل خالق نیز در کتاب خود (ص ۳۸۰) نیز آورده است.
۱۴. کپینجر به معنی بلدرچین است و مجازاً در معنی یار زیبا به کار رفته است و در معنی شعر به علت تکرار ذکر نمی شود.
۱۵. به نقل از فضل خالق، ۲۰۰۷: ۳۴۹.
۱۶. این آمبا به نقل از «یعقوب طارم و مولابخش غلامی»، ماهیگیران چابهار، است.
۱۷. -مصیره (به عربی: ولایة مصیره) یکی از شهرستان های منطقه شرقی در کشور پادشاهی عمان است (ویکی پدیا).
۱۸. کاژک مخفف نام های قادربخش، قادرداد و عبدالقادر است. گویند این شخص مورد اصابت گلوله سپاهیان کشور عمان قرار گرفته است (به نقل از یعقوب طارم).
۱۹. شهر رنگون در گذشته پایتخت برمه و امروزه یکی از شهرهای بزرگ میانمار است.
۲۰. پُلوه polōh نوعی زیور نقره ای بوده است که زنان بلوچ در گذشته بر بینی تعبیه می کرده اند.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳). شعر در ایران پیش از اسلام. تهران: طهوری.
- بهرامی، منصور (۱۳۹۰). نیمه سمفونی دریا. تهران: آینه کتاب.
- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۳). ترانه و ترانه سرایی در ایران. چ ۲. تهران: سروش.
- جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۹۴). درآمدی بر فولکلور ایران. تهران: جامی.
- _____ (۱۳۹۴). «آواهای دریانوردان جنوب». فرهنگ موسیقی کار در ایران (مجموعه مقالات آواها و نغمه های کار در ایران). تهران: سوره مهر.
- خواجه ثیان، میترا (۱۳۹۱). «نی مه کارآوای ساحل نشینان بوشهر». فرهنگ مردم ایران. ش ۲۸ و ۲۹. صص ۱۳۷ - ۱۴۸
- درویشی، محمدرضا (۱۳۷۳). مقدمه ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران. تهران: حوزه هنری.
- ستایشگر، مهدی (۱۳۹۱). واژه نامه موسیقی ایران زمین. ج ۱. چ ۳. تهران: اطلاعات.
- _____ (۱۳۹۴). واژه نامه موسیقی ایران زمین. ج ۲. چ ۳. تهران: اطلاعات.
- سیدهاشمی، ظهورشاه (۲۰۰۰). سیدگنج. کراچی: آکادمی سیدهاشمی.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۶، شماره ۲۲، مهر و آبان ۱۳۹۷

- شریفی، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ ادبیات فارسی. چ ۳. تهران: فرهنگ نشر نو و انتشارات معین.

- شمس قیس رازی (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعار العجم. به تصحیح سیروس شمیسا. تهران: نشر علم.

- فضل خالق (۲۰۰۷). تبتکگ آنت سنج. پاکستان: آکادمی بلوچی کویته.

- کرمی، محمدحسین (۱۳۸۹). عروض و قافیه در شعر فارسی. چ ۳. شیراز: دانشگاه شیراز.

- نوربخش، حسین (۱۳۸۱). فرهنگ دریایی خلیج فارس. تهران: امیرکبیر.

Ambā, Baloch Fishermen's Song

Abdol Qafour Jahandideh ^{*1}

1. Assistant Professor/ Chabahar Maritime University.

Receive: 8/10/2017 Accept: 27/05/2018

Abstract

Having a vast area with a variety of climate, Baluchistan has been surrounded by the sea, mountains, plain and desert and is one of the most important and surprising regions in Iran. With regard to its diverse dialects and accents, Balochi language makes these beauties more prominent. Baluchistan is so rich in oral literature. Different types of oral literature have been current till now. There has been a lot of songs and lyrics from last generations as a part of Balochi identity. Ambā is the song of Balochi fisherman when they go fishing. This type of songs belong to the category of work lyrics. These songs have a special structure and various themes. So far no research has been conducted on the examination of many local songs in Baluchistan, especially "Ambā". In addition to present a definition of this type of poem, the authors have examined its structure and content.

Keywords: Balochi Literature, Balochi folk poem, Ambā, Ambā structure, Ambā content.

*Corresponding Author's E-mail: ajehandideh@yahoo.com

